



فهرست مطالب

۲	تقسیم‌بندی مباحث اصولی به لحاظ موضوعی.....
۲	قسم اول قواعد مشترک اجتهاد به معنی‌الاعم و غیر مختص به باب فقه.....
۲	قسم دوم قواعد مختص به باب فقه بالمعنی الخاص.....
۲	لزوم تنقیح و جداسازی این دو قسم.....
۳	تقسیم‌بندی اصول و روش‌های تحقیق به لحاظ متون و منابع دینی.....
۳	کارایی علم اصول فقه در دیگر علوم.....
۳	وجود مباحث مبانی اجتهاد در علم اصول.....
۴	طرح مباحث کلاس به ترتیب کفایه.....
۴	منابع علم اصول.....
۵	مکتب اصولی استاد.....



بسم الله الرحمن الرحيم

تقسیم‌بندی مباحث اصولی به لحاظ موضوعی

قواعد و مسائل اصولی که در اصول فقه از آن‌ها بحث می‌شود در یک نگاه کلی و به لحاظ موضوعی و کاربرد آن‌ها در فقه و سایر علوم مانند تفسیر، تاریخ، به دو قسم تقسیم می‌شود.

قسم اول قواعد مشترک اجتهاد به معنی‌الاعم و غیر مختص به باب فقه

بخشی از این قواعد و مسائل اصولی، مشترک بین فقه بالمعنی‌الخاص - احکام خمس - و سایر علوم و معارف الهی مانند تفسیر، تاریخ و یا برداشت‌های اخلاقی از قرآن و روایات هست و در حقیقت قواعدی است برای تحقیق در متون دینی و مختص به باب فقه به معنای استنباط احکام خمس نیست و در تحقیق‌های علوم انسانی مانند روانشناسی و یا اخلاقی، کلامی، تفسیری و تاریخی در متون دینی کاربرد دارد مانند بحث مشتق که درباره این بحث می‌شود که مشتق حقیقت در متلبس است یا اعم از متلبس و مانقضی عنه هست که در تفسیر کلمات ظالم و یا کافر در قرآن و روایات کاربرد دارد و یا مباحث مربوط به مفاهیم، صحیح و اعم، بعضی از مباحث حجج و یا بخشی از مباحث تعادل و تراجیح. این دسته از قواعد، قواعد مشترک اجتهاد به معنی‌الاعم می‌باشند.

قسم دوم قواعد مختص به باب فقه بالمعنی‌الخاص

قسم دوم از قواعد و مسائل اصولی، قواعد و مسائلی است که مختص به باب فقه به معنای استنباط احکام خمس از منابع هست مانند مباحث مربوط به اجتماع امر و نهی، امر به شیء نهی از ضد می‌کند یا نه قطع و ظن.

لزوم تنقیح و جداسازی این دو قسم

البته ناگفته نماند این دسته از قواعد جداسازی و منقح نشده است که جداسازی و تنقیح این قواعد امر مستحسن و پرکاربرد برای کسانی که در مباحث کلامی، تفسیری و علوم انسانی اسلامی تحقیق می‌کنند، هست و با تنقیح و جداسازی این دو قسم و تنقیح مباحث و روش‌های تحقیق عام و همچنین اصول و روش تحقیق مختص به هر علم،



محققان این علوم می‌توانند با تحقیقات متقنی به استنباط معارف الهی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه علوم انسانی از متون دینی بپردازد.

تقسیم‌بندی اصول و روش‌های تحقیق به لحاظ متون و منابع دینی

در تقسیم قبلی مباحث اصول به لحاظ موضوعی تقسیم شد، مباحث اصول و روش‌های تحقیق را می‌توان به لحاظ متون و منابع دینی تقسیم دیگری کرد که عبارت است از

۱. اصول و روش‌های تحقیق در قرآن که به آن روش‌شناسی تفسیری می‌گویند و کتبی در این زمینه نوشته شده است.

۲. اصول روش‌شناسی تحقیق در حدیث.

۳. اصول و روش بهره‌گیری از عقل.

کارایی علم اصول فقه در دیگر علوم

علم اصول فقه با توجه به گستردگی مباحث آن و اینکه مشتمل بر قواعد و روش‌های مشترک اجتهاد به معنی‌الاعم و همچنین قواعد مختص به باب فقه هست و مباحث آن اختصاص به باب فقه ندارد و همچنین با توجه به اینکه مشتمل بر روش‌های تحقیق در قرآن و احادیث و روش بهره‌گیری از عقل در علوم اسلامی هست، برای کسانی که قصد تحقیق و مطالعه در سایر علوم و معارف اسلامی به غیر از فقه را دارند ضروری هست.

وجود مباحث مبانی اجتهاد در علم اصول

علاوه بر بحث‌های روش‌شناسی عام و خاصی که در علم اصول مطرح می‌شود و جزء علم اصول است، بعضاً مباحثی که مربوط به مبانی اجتهاد و فلسفه اصول هست و با بحث‌های روش‌شناسی ارتباطی ندارد، در علم اصول مطرح می‌شود که در ضمن مباحث اصولی استطراداً و هرکجا که مناسبتی باشد به آن‌ها می‌پردازیم.



طرح مباحث کلاس به ترتیب کفایه

در تبویب ابواب اصول، انواع مختلفی وجود دارد مانند تبویب و تقسیمی که مرحوم کمپانی دارند و بخشی از مباحث الفاظ را در ذیل مباحث عقلی بیان کرده‌اند و یا تبویبی که مرحوم شهید صدر دارند و یا تقسیمات دیگری که وجود دارد. ما نیز در تبویب مباحث نظراتی داریم که مقداری از آن اجمالاً در تقسیم‌بندی‌های فوق اشاره شد ولی مباحث کلاس را بر طبق ترتیب کفایه که از بحث اوامر شروع کرده‌اند و نسبتاً یک ترتیب قابل قبولی است، مطرح می‌کنیم.

منابع علم اصول

مرحله شکوفایی و دوره جدید علم اصول از زمان شیخ انصاری و صاحب کفایه شروع می‌شود که منابع قبل از این دو بزرگوار مانند کتب شیخ طوسی، شیخ مفید، علامه و صاحب معالم امروزه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و نیازی به مراجعه به آن‌ها نیست البته برای کسانی که می‌خواهند سیر تاریخی مباحث را بدانند مفید است. عمده کتبی که مورد توجه است کتبی است که در دوره جدید نگاشته شد؛ و اهم این منابع عبارت‌اند از رسایل شیخ که به قلم خود ایشان هست و همچنین مطارح‌الانظار که تقریرات درس ایشان است، کفایه مرحوم خراسانی و بعد از صاحب کفایه اعلام ثلاثه که نظریات ایشان بسیار مهم می‌باشند که عبارت‌اند از

۱. مرحوم نائینی که تقریرات مباحث مرحوم نائینی را آقای خوبی به نام اجودالتقریرات نوشته‌اند.
۲. آقا ضیا عراقی که کتاب ایشان مقالات‌الاصول و همچنین کتاب نه‌ایة‌الافکار که تقریرات مباحث ایشان هست.
۳. مرحوم اصفهانی که کتاب ایشان نه‌ایة‌الدراية حاشیه بر کفایه هست و کتاب خیلی دقیقی هست که نظریات آقای خوبی بعضاً متأثر از نظریات ایشان هست.

در رتبه بعد کتب آقای خوبی محاضرات و مصباح‌الاصول و همچنین آثار مرحوم امام قرار دارد که تقریر مباحث حضرت امام کتاب تهذیب‌الاصول هست که توسط آیت‌الله سبحانی نوشته شده است البته تقریرات دیگری هم از دروس ایشان وجود دارد، همچنین آثار مرحوم میرزا هاشم آملی، کتاب بحوث فی علم‌الاصول که تقریرات درس شهید صدر هست که توسط آقای هاشمی شاهرودی نگاشته شده است، همچنین کتاب منتقی‌الاصول که کتاب مرحوم سید محمد روحانی هست و از بین معاصرین هم کتاب انوار‌الاصول آقای مکارم کتاب مفیدی است.



مکتب اصولی استاد

هرچند اینجانب در قم بوده‌ام اما بیشتر به تبع اساتیدمان مانند آقای وحید که شاگرد آقای خویی می‌باشند و ایشان نیز شاگرد آقای نائینی می‌باشند، تحت تأثیر مکتب اصولی آقای نائینی هستم.